گفت و گو با حمید احمدی استاد دانشگاه

بررسی یک توصیه مهم به نامزدهای ریاست جمهوری

تأکید بر خواسته های سراسری

اسماعیل آزادی

ایران ،ایرانیان و همبستگی ملی، واژگانی هستند که همه قومیت ها و اقلیت های این سرزمین باستانی را، در طول تاریخ به هم پیوند داده است .

از سوی دیگر، شاید ایران تنها کشوری باشد که جغرافیای سیاسی آن، به مراتب کوچکتر از جغرافیای فرهنگی آن است؛ لذا پاسداری از این جغرافیای سیاسی و فرهنگی، در زمره اهدافی به شمار می رود که می تواند به افزایش همبستگی میان ایرانیان و اهالی سرزمین های جغرافیای فرهنگی ایران منجر شود .

از آنجایی که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، برخی نامزدها به طرح برخی مسائل قومیتی و اقلیتی پرداخته اند، تحلیل علمی این فرآیند و بیان حساسیت ها و خطراتی که این گونه حرکتها می تواند برای امنیت ملی به دنبال داشته باشد و ضرورت حرکت به سوی افزایش همبستگی ملی، بسنر گفت و گوی ما با دکتر حمید احمدی، کارشناس برجسته قومیت ها است که از نظر خوانندگان می گذرد.

به اعتقاد شما، آیا انتخابات ریاست جمهوری در یک کشور می تواند به یک همبستگی ملی منجر شود؟

قطعاً بله، اما شرایط دارد. بستگی دارد که این انتخابات در درجه اول آزاد باشد. یعنی مردم حق انتخاب دقیق داشته باشند و نامزدها هم خواسته های اساسی ملی را به بحث بگذارند. زیرا اگر در یک فضای آزاد نامزدها مشکلات واقعی یک جامعه را به بحث بگذارند، می تواند باعث همبستگی ملی شود یا جامعه احساس کند چنین فضایی به وجود آمده است. چنانچه در انتخابات دوره قبل آقای خاتمی در چنین شرایطی بود که مردم احساس می کردند آزادی هست و نامزد مورد نظری هم وجود دارد که می تواند تغییرات مورد نظر مردم را ارائه دهد و حداقل یکی از نامزدها شعارهایی می داد که از نظر مردم بر اساس خواست های واقعی، منافع ملی و نیازهای آن زمان جامعه استوار بود. بنابراین می شود در یک انتخابات چنین فضایی فراهم کرد که آزادی باشد، نامزدهای متنوع و گوناگون باشند تا مردم احساس کنند خواست های ملی از طریق نامزدها به اجرا در می آید.

آیا فرضاً بحث های جنسیتی هم می تواند جزو شعارهای ملی باشد؟

قطعاً؛ بحث هایی مثل مشکلات اقتصادی مردم ایران، مشکلات منطقه ای و بین المللی ، مسأله جوانان، جنسیتی و زنان، مسائل کلان ملی ما است. یعنی مشکلاتی است که کل جامعه ما با آن مواجه شده است و مسائل حاشیه ای نیست و می تواند خیلی ها را در جامعه جذب کند.

در حال حاضر با توجه به این که تعدادی از نامزدها، بحث های قومیتی را مطرح می کنند آیا طرح چنین بحث هایی می تواند به یک همبستگی ملی منجر شود؟

اگر خواسته ها، ملی و سراسری و طرح مشکلات عام و واقعی مردم باشد در واقع همبستگی ملی یعنی اتحاد همه، پیرامون شعارهای واحد و کلان و مشکلاتی که مردم سراسر یک جامعه از شرق و غرب و شمال و جنوب با آن مواجه باشند. بنابراین اگر شعارها مشکلات همگانی و ملی مردم را حل کند قطعاً منجر به همبستگی ملی خواهد شد . اما اگر شعارهای نامزدها روی بخش خاصی از جامعه و به منظورهای خاص و بدست آوردن رأی باشد، قطعاً مشکل پیش خواهد آمد و شکاف هایی مطرح می شود که ممکن است همبستگی ملی را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به شعار برخی نامزدها درباره مسائل قومیتی شرایط انتخابات ریاست جمهوری را در ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

فضایی که بر این دوره انتخابات حاکم شده، فضای خاصی است که با فضای دوره قبلی انتخابات ریاست جمهوری فرق می کند. دوره قبل یک روحیه همبستگی ملی و یک فضای ملی وجود داشت که در یک نامزد تبلور داشت و شعارها بیشتر سراسری و ملی بود. البته آن زمان هم جریانات کوچک قوم گرایی بودند که می خواستند بحث قومی را مطرح کنند اما جامعه به آن اهمیت نمی داد. شعار ها همه ملی بود لذا استقبال سراسری شد. اما امروز آرایش نیروهای سیاسی و شرایط حاکم بر جامعه به گونه ای شده است که دیگر آن شرایط فراهم نمی شود. اولاً یک نامزد گسترده سراسری ملی که واقعاً دارای تجمع آرا باشد وجود ندارد. ضمن این که شرایط حاکم بین نیروهای اجتماعی پراکندگی ایجاد کرده است. بنابراین در چنین شرایطی امروزه بعضی از نامزدها احساس می کنند شعارهایی که در دوره قبل داده شده، به تنهایی پاسخگو نیست. یعنی جامعه نسبت به آن ها پاسخ مساعد قبلی را نمی دهد. چون هشت سال تجربه کرده و شاهد بوده است که آن شعارها به اجرا در نیامده است. گذشته از آن شرایطی حاکم شده است که بعضی از نیروها احساس می کنند نمی توانند در مناطق گسترده ای از کشور رأی لازم را بدست آورند. بنابراین بین نامزدها یا جریان های سیاسی خاص این تحلیل وجود داشته که امروز با بحث های ابزاری بتوانند آرایی را از مناطق خاصی جمع کنند. یکی از آن ها بحث مسائل قومی است که بعضی از جریانات داوطلب شرکت در انتخابات روی آن کار می کنند.

آیا این نگرش قومی در انتخابات ریاست جمهوری در دنیا سابقه دارد؟

چنین سابقه ای در کشورهای آزاد و دمکراتیک به صورتی که امروز مطرح می شود وجود نداشته است. مورد یوگسلاوی متفاوت بود. رویکرد ابزارگرایانه برخی جریانهای امروزی در ایران در سایر کشورها همچون هندوستان و پاکستان روی داده است. تجربه جهانی نشان داده است که استفاده های ابزاری از بحث های انتخابات بخصوص در مسائل قومی پاسخ نداده و موفقیت آمیز نبوده است. اما جامعه ایران تجربه ندارد و جریانات سیاسی در این زمینه پختگی کافی را ندارند. در این مرحله بعضی از جریانات، گمان می کنند با طرح این نوع شعارها می توانند رأی آن حوزه ها را به دست آورند و بتوانند در مقابل نیروی حریف تعادل را به هم بزنند. اما این نگاه درستی نیست.

در واقع می فرمایید به لحاظ ابزاری نیز نظریه درستی نیست؟

بحث مسائل قومی و دیدگاه ابزارگرایانه به آن، بحث مهمی در علوم اجتماعی است. اتفاقاً یکی از بحث های بسیار مهمی که در تئوری های ناسیونالیزم، قومیت و بخصوص قوم گرایی مطرح شده، رهیافت ابزاری و نقش نخبگان سیاسی در آن است و بسیاری از تئوریسین ها چون آنتونی اسمیت و پل براس و کلاسیک هایی مثل «هانس کوهن» و دیگران همیشه معتقد بودند بحث های قومی اصولاً ابزاری است؛ یعنی قبل از این که بحث های توده ای باشد، نخبگان سیاسی در فرآیند قدرت و مبارزه قدرت برای بسیج سیاسی این مسائل را سیاسی می کنند، تا ابزار و حمایت مناسبی علیه یکدیگر داشته باشند. البته بعضی موارد نیز اثرات وخامت بار و فاجعه انگیزی به بار آورده است.

مثل هند؟

بله، شبه قاره هند یک ملت بود به نام «ملت هند» که به لحاظ نژادی، زبانی و بسیاری چیزها منسجم بود. اما نخبگان در این کشاکش قدرت به مرحله ای رسیدند که یک جریان از آنها (نخبگان مسلمان) احساس کردند در آینده قدرت را از دست خواهند داد. لذا در سال های ۱۹۴۷ که استقلال هند به دست آمد، احساس خطر کردند. البته تا آن زمان به جز دوره استعمار هند تقریباً قدرت در دست مسلمانان بود، یعنی اقلیتی در میان اکثریت هندو. لذا احساس کردند در فضای بازی که ایجاد شده، جریان دیگری به نام هندوتیسم (ناسیونالیسم هندی) آمده که قوی تر هم هست و اگر این فضای آزاد حاکم باشد قطعاً مسلمانان حاشیه نشین خواهند شد. بنابراین از مسائل قومی که در آن زمان مذهب بود استفاده کردند و بحث ملت پاکستان را مطرح کردند و در ملت بزرگی مثل هند شکاف انداختند که به تجزیه کشور و کشتارهای خونین و چند جنگ خانمانسوز منجر شد. بنابراین نگاه و رهیافت ابزاری، چنین پیامدهای وخیمی هم دارد. کسانی که به مسائل قومی ابزارگرایانه نگاه می کنند، مطالعه دقیق ندارند و لذا شعارهایی را مطرح می کنند که به گمان خود می تواند بسیج سیاسی ایجاد کند اما با مشکل ایجاد شکاف در جامعه مواجه می شوند در واقع ندانسته به راهی گام می گذارند که ممکن است پیامدهای خطرناکی برای همبستگی ملی، خود آنها و کل نظام اجتماعی داشته باشد.

آقای دکتر! به اعتقاد شما اصولاً ما در ایران مشکلات قومی داریم؟

پاره ای مسائل هست اما در باره آن بسیار اغراق آمیز و در آن گمراه نمایی شده است. ما در ایران پراکندگی مذهبی و لهجه ای -زبانی داریم، اما در طول تاریخ این ها در زیر یک چتر گسترده ای به نام «ایران» ، فرهنگ ایران، میراث سیاسی و تاریخ و سرزمین ایران گرد هم آمده و ما را از جوامع دیگری مثل یوگسلاوی، شوروی، عراق، پاکستان و ترکیه متمایز کرده است. در واقع پایه های اصلی عناصر سازنده «ملت» در ایران قوی تر بوده و هست . عنصر تعریف کننده و سازنده ایران همیشه ملت بوده است نه اقوام . اقوام بخش هایی از ملت هستند که در هم می تنند و عامل همبستگی اند. واژه قوم در ایران به معنی خویشاوندی است و به لحاظ تاریخی با آن واژه مدرن «گروه قومی» (ethnic group) که در غرب است و معنی کشمکش از آن بر می خیزد کاملاً متفاوت است. در کشورهایی تازه تأسیسی مثل جمهوری های شوروی و یوگسلاوی گروه قومی به معنی (ethnic group) داشتیم چون آنها را در قرن بیستم به زور و با پاره پاره کردن سایر جوامع به گرد هم آورده بودند. در ایران اینگونه نبوده است و اینجا «اقوام ایرانی» وجود داشته و سازنده ایران همیشه ملت بوده است نه اقوام.